

جداسازی لارو انگل تریپانورینکا (*Trypanorhyncha*) از میگوهای ساحلی استان بوشهر

احمد مالالبی، مریم میربخش و آیدا نجدیان

Malollahi@yahoo.com

بخش بیوتکنولوژی، پژوهشکده میگوی کشور، بوشهر صندوق پستی: ۱۳۷۴

تاریخ دریافت: خداداد ۱۳۸۱ تاریخ پذیرش: آذر ۱۳۸۱

لغات کلیدی: میگو، تریپانورینکا، استان بوشهر، ایران

طی این بررسی دستگاه گوارشی ۳۷ عدد (۲۲ عدد ماده و ۱۵ عدد نر) میگو متعلق به گونه *Penaeus semisulcatus* از صیدگاههای جنوبی استان بوشهر در آزمایشگاه مرکز تحقیقات میگوی ایران مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج بدست آمده بیانگر این است که درصد شیوع آلودگی ماده‌ها ۷۲ و نرها ۸۶ درصد می‌باشد. این تحقیق نشان داد جنسیت میگوهای تأثیر چندانی بر شدت آلودگی ندارد و هر دو جنس بطور یکسان نسبت به آلودگی واکنش نشان می‌دهند. از نتایج اینطور استنباط می‌گردد در این مرحله از زندگی میگوهای آنها تأثیر چندانی بر شدت و شیوع ابتلا به لارو تریپانورینکا ندارد. دستاورد اساسی گزارش حاضر نشانگر این است که انگل در آبهای ساحلی استان از انتشار بالایی برخوردار است. تریپانورینکاهای از شاخه کرمهای نواری بوده و انگل اختصاصی آبزیان محسوب می‌گردند. تاکنون مطالعات گسترشده‌ای در خصوص شناسایی آنها صورت پذیرفته که اکثر قریب به اتفاق محققین بر این باورند که میزبان قطعی انگل، ماهیان غضروفی بوده و ماهیان استخوانی و سخت‌پوستان میزبانهای واسط انگل می‌باشند. نخستین مطالعات مربوط به بررسی Yamaguti در سال ۱۹۴۳ بود که لارو این انگل را از میگوهای آبهای ژاپن، گزارش نمود.

تحقیقات پیرامون شناسایی بیشتر انگل و چگونگی تحولات زیستی انگل ادامه داشته تا اینکه Aldrich در سال ۱۹۶۵ نیز انگل را از میگوی قهوه‌ای *P. setiferus* و میگوی سفید *P. aztecus* در خلیج

Archive of SID

گالوستون جداسازی نمود. سستود شناسایی شده تحت عنوان *Prochristianella penai kruse* نامگذاری شد. همچنین نشان داده شد بین میزان شیوع آلوگی و اندازه میگو رابطه مستقیم وجود دارد.

در سال ۱۹۷۸ جایگاه اصلی انگل را دستگاه گوارش ماهیان غضروفی بیان داشته و میگو را

به عنوان میزان واسطه انگل ذکر نموده است.

در بررسی های انجام شده روی میگوهای آبهای سواحل شمالی کشور برزیل توسط Palm در سال ۱۹۹۷، مجموعاً ۱۱ گونه تریپانورینکا از ۵۶ گونه ماهی جداسازی و شناسایی شده است. او نیز به اهمیت ماهیان بعنوان میزان واسطه انگل تأکید دارد. گونه های تریپانورینکای شناسایی شده عبارتند از:

Gallitetrarhynchus gracilis

Nybelinia lingualis

Dasyrhynchus giganteus

Otobothriun cysticum

Grillotia sp.

Pseudolaeistorhynchus noodti

Nybelinia edwinlintoni

Pseudobothrium dipsacum

N. indica

Pterobothrium kingstoni

N. senegalensis

در این گزارش آلوگی انسانی را بسیار نادر برشمرده اند. عوارض ناشی از انگل در ماهیان بیشتر در عضلات دیده شده و خسارات اقتصادی، کاهش ارزش بازاری ماهیان مبتلا را در پی خواهد داشت.

Kent و همکاران در سال ۱۹۹۱ آلوگی چشمی ناشی از لارو انگل را از آزاد ماهیان گزارش نموده اند. ترشحات چرکی چشم، پارگی قرنیه، کوری و نهایت مرگ ماهیان را ناشی از عوارض ابتلاء چشم ماهیان به این انگل بیان داشته اند. گزارش حاضر در نظر دارد نتایج بررسی های انجام شده روی تعداد معینی میگویی صید شده از سواحل خلیج فارس (منطقه استان بوشهر) مبنی بر حضور لارو انگل در میگوهای منطقه را اعلام نماید.

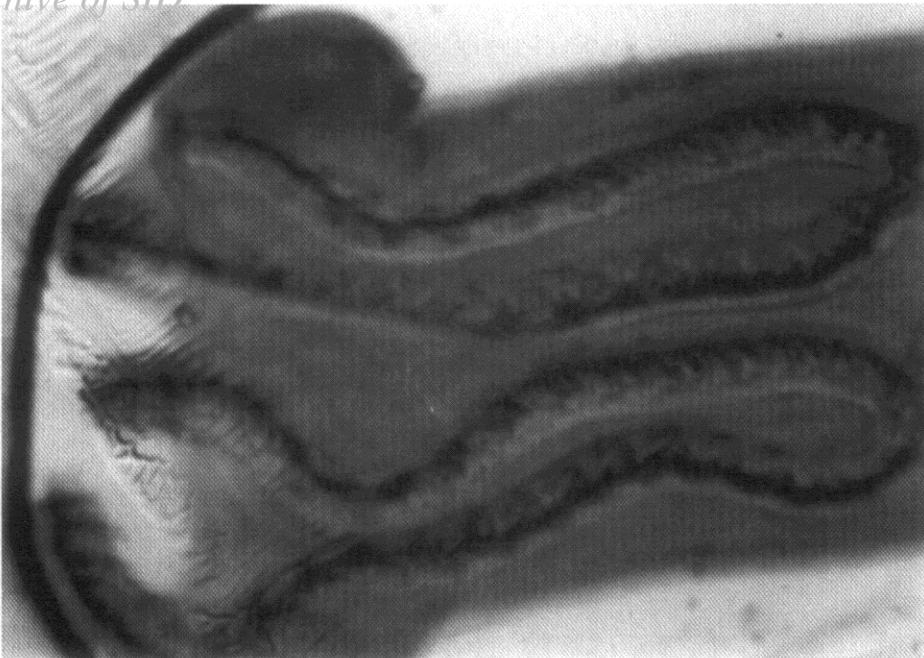
به منظور بررسی میگوها از فرمالین ۱۰ درصد، رنگ آزوکارمین، سرم فیزیولوژی، استریومیکروسکوپ و میکروسکوپ نیکون مجهز به دوربین عکاسی، لام و لامل و سست تشریح طی آزمونها استفاده شد. پس از صید و جمع آوری، نمونه های میگوها به دو حالت زنده یا دو حالت زنده یا ثبیت شده در فرمالین ۱۰ درصد به آزمایشگاه مرکز تحقیقات حمل شدند. نمونه های یاد شده طی یک گشت دریایی از منطقه مطاف (اعماق ۱۰ الی ۴۰ متر) صید شده بودند. تشریح لاشه میگوها پس از تعیین وزن و طول کاراپاس، به منظور تفکیک هپاتوبانکراس از سایر اعضاء صورت گرفت. از سرم فیزیولوژی جهت پیشگیری از خشک شدن بافتها و نگهداری موقتی انگلهای استفاده شد. از رنگ آزوکارمین جهت مشخص شدن قسمتهای مختلف اسکولکس

بهره گرفته شد (Palm, 1997). سپس به کمک میکروسکوپ یا لوپ از اجزاء بدن انگلهای جدا شده تصویربرداری شد. با تعیین نسبت میگوهای آلوده به غیرآلوده میزان شیوع و از روی تعداد انگل به ازاء هر میگو میزان شدت آلودگی در میگوها محاسبه شد. براساس بررسیهای ریختشناسی وجود اسکولکس به همراه چهار رشته قلابدار کششی در یک غلاف عضلانی به همراه ۲ تا ۴ بوتريا از صفات بارز انگل محسوب می‌گردد. اسلامی در سال ۱۳۷۰ ویژگی‌های سستودها را بیان داشته است.

لاروهای جدا شده از هپاتوبانکراس میگوهای آلوده و اجدکلیه صفات یاد شده می‌باشند. شکل‌های ۱، ۲ و ۳ اسکولکس کامل به همراه بوترياها و چهار رشته قلابدار انگل را نشان می‌دهد.



شکل ۱: نمایی از اسکولکس انگل جدا شده از میگوی *Penaeus semisulcatus* (بزرگنمایی $\times 100$)



شکل ۲: رشته‌های قلابدار اسکولکس (بزرگنمایی $10\times$)



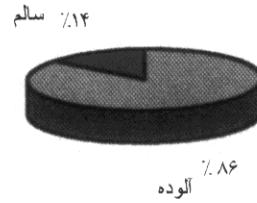
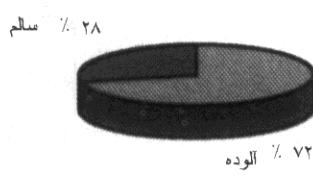
شکل ۳: نمای ظاهری قلابها (بزرگنمایی $20\times$)

نتایج حاصل از کالبدگشایی میگوها حاکی از شیوع نسبتاً بالای انگل در بین میگوهای صید شده میباشد. در همین رابطه میزان شدت و شیوع آلودگی، به تفکیک جنسیت میگوها، در جدول ۱ نشان داده است.

جدول ۱: شدت و شیوع آلودگی در بین دو جنس نر و ماده میگوها

جنسیت	تعداد میگو	تعداد میگوهای آلوده	درصد شیوع آلوده	شدت آلودگی
ماده	۲۲	۱۶	۷۲	۵
نر	۱۵	۱۳	۸۶	۹

نمودارهای ۱ و ۲ درصد شیوع آلودگی در دو جنس نر و ماده را نشان میدهند. در اینجا نیز تفاوت چشمگیری بین ابتلا جنسها مشاهده نشد. همانگونه که مشاهده میگردد درصد شیوع آلودگی جنسهای نر و ماده بترتیب ۸۶ و ۷۲ درصد میباشد.



نمودار ۱: درصد شیوع آلودگی در میگوهای نر نمودار ۲: درصد شیوع آلودگی در میگوهای ماده بدون تردید این گونه تحقیقات از ابعاد مختلفی حائز اهمیت و تأمل است. شباهتهای ظاهری انگل جدا شده از میگوها با تصاویر تهیه شده توسط سایر محققین این نظریه را تقویت مینماید که لاروهای جدا شده، لارو انگل تریپانورینکا میباشد. فرم شاخکهای خاردار و بوترياهای انگل این امر را تأیید مینماید. علاوه براین بنظر میرسد کلیه میگوها بدون در نظر گرفتن جنسیت و اندازه، زمینه لازم جهت

ابتلا به این انگل را دارا هستند. در خصوص بیماری زایی انگل باید اذعان داشت کلیه منابع، نقش میزان واسط را برای میگوها ذکر نموده و این وضعیت در میگوهای ببری سبز منطقه بوشهر نیز صادق است. ضمناً گزارش مدونی در خصوص بیماری زایی و ایجاد ضایعات در لاروهای میگو ارائه نشده است. البته این نظریه نمی‌تواند چندان معتبر باشد و نیاز به مطالعات پاتوبیولوژیک بیشتری در این زمینه می‌باشد. چرا که حضور لاروهای قلابدار در لابلای رشته‌های هپاتوپانکراس به همراه قدری پرخونی در لایه مخاطه هپاتوپانکراس ضرورت تحقیقات در این زمینه را امری اجتنابناپذیر می‌نماید.

در رابطه با شدت و درصد شیوع نسبتاً بالای آلدگی میگوهای مورد بررسی می‌توان به اهمیت مطالعات انگل‌شناسی در این خصوص پی‌برد. صیدگاههای جنوبی استان و اعماق ۱۰ تا ۴۰ متر صیدگاهها دامنه گسترش انگل در منطقه را نشان می‌دهد. گسترش وسیع، شدت و شیوع بالای آلدگی اقدام هر چه سریعتر نسبت به شناسایی دقیق آلدگی‌های انگلی تمامی آبزیان مأکول را می‌طلبد.

تشکر و قدردانی

از تلاش‌های بی‌شائبه ریاست مرکز و معاونین محترم به سبب ایجاد بستر مناسب تحقیقات سپاسگزاری می‌گردد. همچنین از همکاران محترم، خانم سایه حسامیان، آقایان یدالله بیات، وحید یگانه، باپ قائدنیا، سعید گنجور و حسن رستم که در جمع‌آوری نمونه‌ها و سایر مراحل اجرایی پروژه از هیچ کوششی فروگذار ننمودند قدر دانی می‌گردد.

منابع

- اسلامی، ع. ، ۱۳۷۶. کرم‌شناسی دامپزشکی. انتشارات دانشگاه تهران. جلد دوم، ۳۸ صفحه.
- Aldrich, D.V. , 1965. Observation on the ecology and life cycle of *Prochristianella penaei kruse* (Cestoda Trypanorhyncha). The Journal of Parasitology . Vol. S1, No. 3, pp.370-376
- Johnson, S.K. , 1978. Handbook of shrimp diseases. Texas A & M University college station.

- A**Kelvin, M., Leo, M. and Furnie, J.W. , 1991. New eye disease of pen-Reared chinook salmon caused by Metacestodes of *Gilquina squali* (*Trypanorhyncha*). EPA/600/J-94/276. J. Aquat. Anim. Health. Vol. 3, No. 2, pp.134-140.
- P**alm, H.W. , 1997. *Trypanorhyncha* cestodes of commercial fishes from north east Brazilian coastal water. Memories do Instituto Oswaldo cruz. Vol. 92, No. 1, Jan./Feb. pp.69-79.
- S**inderman, C.J. , 1970. Principal diseases of marin fish and shellfish. Academic Press, INC. 169 P.
- Y**amaguti, S. , 1943. Studies on the helminth fauna of Japan. Part 4. Cestods of fishes. J. Zool. Vol. 4, pp.1-112.